

(آ) مبدأ تاریخ، سال هجرت حضرت خاتم النبیین محمد بن عبدالله صلوات الله علیه از مکه معظمه بمدینه طیبه.

(ب) آغاز سال — روز اول بهار.

(ج) سال کما کان شمسی حقیقی.

(د) اسامی و عدد ایام ماهها:

- ۱ — فروردین ۳۱ روز. ۲ — اردی بهشت ۳۱ روز.
 ۳ — خرداد ۳۱ روز. ۴ — تیر ۳۱ روز. ۵ — مرداد ۳۱ روز.
 ۶ — شهریور ۳۱ روز. ۷ — مهر ۳۰ روز. ۸ — آبان ۳۰ روز.
 ۹ — آذر ۳۰ روز. ۱۰ — دی ۳۰ روز. ۱۱ — بهمن ۳۰ روز.
 ۱۲ — اسفند ۲۹ روز. تبصره: در سنین کبیسه اسفند نیز ۳۰ روز خواهد بود.

ماده دوم — ترتیب سال شماری ختا و ایفور که در تقویم های سابق معمول بوده از تاریخ تصویب این قانون منسوخ خواهد بود.

پژشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 دانشگاه تهران
 مرکز چاپ و انتشارات
 تهران

۱- نامه یکی از خانمهای طهران

ای بسا شبها و روزها که از شدت فکر و خیال بی خواب شده و راه چاره بر خودم مسدود دیدم زیرا اگر میخواستم چیزی بنویسم جراید طهران از ددج آن خود داری مینمودند چه از چماق تکفیر خوف دارند و بنده با عقیده خود فکر میکردم که باید هرکس در راه نجات نوع خودش تا اندازه که مقدورش

باشد بکوشد. بنده هم غیر از گفتن اقتداری ندارم آنهم که باب وسیله‌اش مسدود بود تا آنکه مجله شریفه ایران‌شهر را خواندم دیدم شکر خدا را يك مجله وجود دارد که هر کس بتواند آزاد، عقاید خودش را بنویسد این است که این بنده هم با قلم کند خود چند سطر عرض میکنم. شرح از آزادی نسوان و جلوگیری علما مرقوم رفته بود بیچاره گرگ‌های میش نما نه تنها از سعادت ما بدبخت‌ها جلوگیری میکنند از شدت جهل و نادانی بشت پا بمقام و حیات خودشانهم میزنند:

بی ادب تنها نه خود را داشت بد بلکه آتش بر همه آفاق زد آنقدر فکر نمیکند که وقتی هم مسلمانها از خواب جهل بیدار شده یا بجاده ترقی میگذارند البته دین و مذهب خودشانرا محکم تر نگاه میدارند و دست اجنبی را از سر خود کوتاه خواهند داشت. ما هم مطابق فرمایش شارع مقدس، از این اوامر نا هنجار علما و آقایان خلاص خواهیم شد و تا دنیا دنیاست بآنان ملامت و توبیخ خواهیم کرد. چرا برای منافع و حفظ دکان، ما را اذیت و آزار نموده از خدا ترسیده عمامه را بزرگ و عامه را بزحمت انداخته تصور نمیکند که اگر اجنبی بر مسلمانها غلبه کند دیگر منبر و محرابی بر جا نخواهد ماند آنوقت آقایان باید عمامه را بر داشته دست نکدی بجانب ایشان دراز کنند. آیا پیغمبر اکرم برای آگاهانیدن مردم چقدر جنگ‌ها کرد تا مردمرا بجاده راست انداخت. مگر نه میفرماید هر کس عقل ندارد ایمان کامل ندارد؟ مگر نه حضرت امیرالمؤمنین مزدوری کرده پولشرا بفقرا میداد برای اینکه مردم بدین اسلام بگردند؟ مگر نه مردمرا موعظه می فرمود برای اینکه مردم از خواب غفلت بیدار شده فهم پیدا کرده اسلامرا نگاه داری کنند؟ امروز این پیشوایان ما از مرحله دورند

کمان میکنند باید زن همیشه ذلیل باشد. فکر نمیکنند زن بی سواد، زن بی عقل، اولاد صالح نمیتواند تربیت کند. درختی که میوه ندارد نمیتواند بد یگران میوه بدهد. آیا چرا باید اقوام و ملل عالم با هم فرق داشته باشند، خیر همه بشر و همه قابل تعلیم اند. نور علم از کجا در دل دیگران وارد شده ولی نسبت بما ظلم نموده پس علتی داشته است که مانع این سعادت ما گردیده است آنعلت را باید پیدا کرد و رفع نمود. درست که تجسس نمودی می بینی علت غائی آقایان علمایند. میترسند اگر مردم دانا شده بگویند از این همه املاک وقف که زینت اهل بیت آقایان میشود يك دارالمساکین ساخته فقرای بیچاره را از معابر جمع کنند که آنقدر اسباب استهزای خارجه‌ها نباشیم و در هر شهری مدارس ایجاد نمایند و اطفال بی گناها را تربیت کنند که به نیروی علم و دانش دست جهل را از سر خود و وطن خود کوتاه نمایند. ولی افسوس که آخوندها نمی‌خواهند ما از خواب غفلت بیدار شویم تا ایشان عیشی عاجل بکنند هر چه میشود بشود شما را بخدا شنیده اید يك ملائی، يك آخوندی اسباب راه ترقی بملك و ملت شده باشد اینها فقط میخواهند بار خود را بار کنند. مثلاً ملاحظه فرمائید وجدان علما را، همین که يك زن بدبخت تیره روزی بر او ظلمی میشود و پناه بعلماء میرد کلاشرا اصلاح کنند، میفرمایند مرا وکیل کن که کلاشرا درست کنم او هم وکالت میدهد بمجرد دادن وکالت می‌بیند آقا وارد اطاق میشود و بر خورد او طور دیگر است زن تحاشی میکند، آخوند میگوید دیوانه کیجائی همان وقت که مرا وکیل کردی من بموجب همان وکالت نامه تو را برای خودم یا بنده زاده عمده کردم هر قدر هم زن بدبخت داد بزند بخرج نمی‌رود، میکند آنچه را که باید کند و

پس از اتمام عملش در چند روزه زنرا می‌خواهد بیرون کند. زن بیچاره هم اولاد پیدا کرده مجبور است خدمتکاری منزل آخوند را قبول کند برای مهر مادد و فرزندی و با هزاران مشقت بسازد و هزار دشنام از آخوند یا پیشوای انام و مقتدای خاص و عام بشنود که چه بوده روزی حاجتی داشته در پناه آقا رفته و آن آقا این بلا را بر او آورده. همینکه گفتگوی حجاب میشود باد بخیشوم افکنده و رگ‌های گردن را کلفت نموده و میگوید خلاف شرع است همین شرع که شرحش عرض شد. ایشان تصور میکنند زنها از حجاب تنگ آمده فقط برای این است که سرباز در خیابان آمده شهوت رانی کنند. نه بخدا زن بد اخلاق با حجاب بیشتر میتواند مرتکب کارهای زشت بشود حجابرا برای این نمی‌خواهند که بتوانند کسب معیشت کرده حق مشروع خود را حفظ کنند. زن بیچاره نمیتواند در کوچه عبور کند زیرا مردهای ایران خوبرا از بد تشخیص نداده با همه يك طور ملاحظه میکنند زن بدبخت اگر بخواهد خودش را از دست آنها نجات بدهد یا حس غیرت و ناموس او را وادار کند به هیجان آمده حرفی بزند فوری آزان بجرم اینکه تو رویت باز بود جلب به نظمی‌اش میکند آنوقت نزد شوهر زشت و بد نام شده زن می‌خواهد بی حجاب باشد تا به مردها بفهماند من هم از جنس تو خلق شدم تو بر من برتری نداری من هم با تو در همه کار شریک و سهم هستم کدام جهت تو را بر من برتری داده. چرا آقایان گفته‌های پیغمبر اکرم را فاش نمی‌گویند تا مردم بداند که زن را آنقدر نباید اذیت کرد. برای زنها آخر خدا حدی قرار داده زنرا باید با ملاطفت نگاهداری کرد آیا همین که بمذهب ما چهار زن عقدی و هزار صیغه بر مرد حلال است،

تمام شد؟ آخر باز هم گفته اند باید با زنها بعدالت رفتار کنید! زن در خانه خود باید آسایش داشته باشد! نه باشلاق او را بزنند، که مرد خدای کوچک زنست. و ان لا تعدلوا فواحدةً طرف توجه آقایان شهوت ران نیست و این است که بدبختی برای زنان تراکم میشود و هیچ وسیله اظهاری هم ندارند حالا که مجله فریده ایران‌شهر بیاری زنان ایرانی قیام فرموده ما هم کمک کرده راز های نگفته را میگوئیم شاید به تفضلات خداوندی و بهمت آقایان، زنان ایران هم در جرگه متمدنین عالم در آمده از این رقیبت خلاص شوند. طهران — ن. ج. د.

ایران‌شهر:

هر ملت دارای يك حکومت جسمانی و روحانیست که سزاوار آن میباشد و هر طایفه مستحق ظلم و فشاریست که گرفتار آنست. چه اگر اینطور نبود آنگونه حکومت و آن ظلم و فشار را قبول و هضم نمی نمود! پس تا روزیکه جامعه زنان ایران اکثریت خود را بیدار و از حقوق خود آگاه ساخته و آنان را از گرداب غفلت و جهالت بدر نکشیده و از نعمت علم و فضیلت بهره‌مند نموده است، همین حال و وضع را خواهد داشت.

آخوند جاهل و متعصب و وحشی، البته میخواهد که هم زن و هم خودش در حال زشت و کثیف حیوانی باقی بماند ولی اگر زنان ایران و بخصوص آنانکه پی بحقوق خود برده و باوضاع جهان آشنا شده اند از راهش داخل شوند و در اقدامات خود راه را از چاه بشناسند و حاضر بقبول زحمت و فداکاری شوند، آخوند جلوگیری از تربیت زنان نمیتواند. پس تا چند سال دیگر، زنان بیدار ایران باید فداکاری کنند و بجز تعلیم و تربیت افراد